



فصلنامه

مطالعات زبان و ترجمه

علمی-پژوهشی

تأثیر و نقش کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در افزایش هوش هیجانی و سازه‌های مربوط
اذر حسینی فاطمی - رضا پیشقدم - جعفراناآوری

تک صدایی در ترجمه دن کیشوت
علی خرائی قربانی - مازیار فربنده

تحلیل روابط شناختی ویژگی‌های نسبک تاریخ نگاری بیهقی در حارجوب نظریه هوش داستانی
محسن تقی‌هاسنی - محمدعلی شمس - سیده شناسی

بررسی و تحلیل سخنیت در نمایشنامه‌های منظوم نی، اس، الیوت
رجحی عسکر آزادی

تأثیرات کشنیده‌ای سازه‌های توایی در زبان فارسی
اذر جوانگیری - ساسی چالدری راه

بررسی گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسائل نقلیه بروون بهمنی بر اساس نظریه
نقش‌های هفت گانه زبان از دیدگاه هلندی
حلیل قاضیزاده - بیژن قنسوی

جهت‌هایی از ارتباط میان فرهنگی در کاربرد انگلیسی توسط فارسی زبانان
ملهم خاوری

سال جهل و دوم، شماره اول
۱۳۸۸ تابستان

منتشر از مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شاندی: ۴۲۲۸-۵۲۰۲

بررسی گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسایل نقلیه برون شهری بر اساس نظریه نقش‌های هفت گانه زبان از دیدگاه هلیدی

خلیل قاضی زاده (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)
بهزاد قنسولی (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی «گونه کاربردی»^۱ زبان نوشتاری در وسایل نقلیه برون شهری می‌پردازد. از ویژگی‌های بر جسته این گونه زبانی می‌توان به اختصار و ایحاز، محتوای شغلی، محاوره‌محور بودن و عامیانه‌گرایی و تقدیر باوری اشاره کرد. پس از مشخص کردن ویژگی‌های نقشی باز این گونه کاربردی، به تطابق نقش‌های زبانی آن بر اساس نقش‌های هفت گانه زبان که هلیدی^۲ (۱۹۷۳) شناسایی کرده است، پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان داد که گونه کاربردی مورد استفاده در وسایل نقلیه برون شهری، به عنوان یکی از تنوعات زبانی (زبان فارسی)، از نظر نقشی قابل انطباق با نقش‌های هفت گانه زبان است و قابلیت بازتاب دادن تعاملی این نقش‌های اجتماعی زبان را دارد.

کلید واژه‌ها: گونه کاربردی، نقش‌های هفت گانه زبان.

-
1. Register
 2. M.A.K.Halliday

مقدمه

زبان شناسی اجتماعی علم مطالعه زبان در رابطه با جامعه است^(۱) (هادسون، ۱۹۹۶، ص ۱). پیشرفت‌های عمده زبان‌شناسی اجتماعی در اواسط دهه ۱۹۷۰ صورت پذیرفت. زبان‌شناسی اجتماعی نیز مانند هر علم دیگری جنبه‌های نظری و جنبه‌های عملی دارد. مقاله حاضر یکی از جالب‌ترین جنبه‌های عملی و تجربی این علم را معرفی می‌کند. در این پژوهش یکی از تنوعات اجتماعی زبان با عنوان «گونه کاربردی» مورد تحلیل قرار می‌گیرد و پس از برقراری تطابق‌های نقشی با نقش‌های هفت‌گانه زبان مورد توجه هلیدی (۱۹۷۳)، مشخص می‌گردد که این گونه زبانی^۱ توانایی آن را دارد که به عنوان یک ابزار ارتباطی نیازهای ارتباطی سخنوران خاص خود را تأمین نماید.

۱- پیشینه تحقیق

اصطلاح «گونه کاربردی» نخستین بار در سال ۱۹۵۶ از سوی توماس برتران رید^۲ معرفی شد و در دهه ۱۹۶۰ برای ایجاد تمایز بین تنوعات زبانی حاصل از تفاوت‌های اجتماعی یا جغرافیایی کاربران زبان^۳ از یک سو و تنوعات زبانی حاصل از به کارگیری زبان^۴ از سوی دیگر وارد زبان‌شناسی شد. منظور از به کارگیری زبان این است که «هر گویشور مجموعه‌ای از تنوعات زبانی و انتخاب‌های ممکن از میان آنها دارد» (هلیدی، ۱۹۶۴). طبق تعریف، گونه کاربردی عبارت است از «تنوعات زبانی‌ای که به چگونگی به کارگیری یا استفاده از زبان مربوط می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص ۴۴؛ دونز، ۱۹۹۴؛ بایرس، ۱۹۸۸؛ هادسون، ۱۹۹۶). به گفته لاینز «هنگامی که بافت اجتماعی تعیین‌کننده سبک زبان باشد، گونه کاربردی خواهیم داشت» (لاینز، ۱۹۹۰، ص ۲۹۲). سخنوران هر یک از گروه‌های شغلی و صنفی مجرما (نظری پزشکان، خلبانان، فروشنده‌گان، مدیران و...) گونه کاربردی مخصوص به خود را دارند (وردهو،

1. Language Variety

2. Thomas Bertran Reid

3. Language Users

4. Language Use

کلام^۱ و شیوه کلام^۲ هستند. حوزه کلام همان چیزی است که در مورد آن صحبت می‌شود، فحوای کلام به شرکت‌کننده‌های درگیر در بافت زبانی و شیوه کلام به کاربرد زبان در تعامل یا به عبارتی به کanal ارتباطی ای که زبان برای ایجاد تعامل در اختیار ما می‌گذارد، می‌پردازد. گفخاری یا نوشتاری بودن زبان هم به شیوه کلام مربوط می‌شود (هلیدی، ۱۹۷۸، ۱۹۶۴).

یک گونه اجتماعی زبانی، مجموعه‌ای از عناصر زبانی است که توزیع اجتماعی یکسانی دارند (همان، ص ۲۲). فرگوسن^۳ در تعریف گونه زبانی می‌گوید «گونه کاربردی شکلی از الگوی گفخار بشر است که همگونی کافی را برای تحلیل از طریق روش‌های موجود توصیف همزمانی داشته و دارای گنجینه‌ای بزرگ از عناصر، ترتیب بندی‌ها و فرایندهایی باشد که از نظر معنایی در تمامی بافت‌های ارتباطی قابل اعمال هستند» (فرگوسن، ۱۹۷۱، ص ۳۰). هادسون^۴ با اشاره به این نکته که تعیین مرز دقیق و شفاف بین گونه‌های زبانی ممکن نیست، از گویش^۵، گونه کاربردی^۶ و سبک^۷ به عنوان نمونه‌های بر جسته گونه‌های اجتماعی زبان نام می‌برد (هادسون، ۱۹۹۶، ص ۲۱). همان‌طور که فرگوسن (۱۹۷۱) اشاره کرده است یک گونه کاربردی باید از نظر معنایی در تمامی بافت‌های ارتباطی قابل اعمال باشد (فرگوسن، ۱۹۷۱، ص ۳۰). از این رو، باید قابلیت انعکاس تمامی نقش‌های اجتماعی زبان را داشته باشد. هلیدی (۱۹۷۳) هفت نقش اجتماعی را برای زبان بر شمرده است که عبارتند از: ابزاری، تنظیم‌کننده، تعاملی، فردی، تخیلی، اکتشافی و اطلاع‌رسانی. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این گونه کاربردی می‌تواند به عنوان یک ابزار ارتباطی تمامی این نقش‌های زبانی را ایفا نماید.

-
1. Field of Discourse
 2. Tenor of Discourse
 3. Mode of Discourse
 4. Ferguson
 5. Hudson
 6. Dialect
 7. Style

در اوایل دهه ۹۰ میلادی و در امتداد نظریه گونه کاربردی هلیدی، گونه کاربردی^۱ جان سویلز برای مقاصد خاص مبنای واکاوی گفتار و نوشтар گویشوران به ویژه در حیطه زبان انگلیسی^۲ قرار گرفت. نکته اساسی در نظریه سویلز و تفاوت مشهود میان گونه کاربردی در نظر هلیدی^۳ و گونه کاربردی او در آن است که توجه بیشتری به نقش ارتباطی گونه کاربردی شده است. گونه کاربردی سویلز مربوط به موقعیت ارتباطی‌ای است که در آن گویشوران زبان با اهداف ارتباطی آن زبان آشنایی کامل دارند. اهداف ارتباطی مانند وسیله ارتباطی برای دستیابی به اهدافی است که در آن سبک و محتوای زبان تحت تاثیر ساختار گفتمانی متاثر از اهداف ارتباطی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، این اهداف ارتباطی هستند که ساختار زبان را تعیین می‌کنند. از نظر سویلز، یک جامعه گفتمانی^۴ دارای خصیصه‌های زیر است: ۱- اهداف ارتباطی مشترک ۲- وجود مکانیسمی برای ارتباط در درون جامعه زبانی خود، ۳- داشتن مکانیسم‌هایی برای ارسال اطلاعات و دریافت بازخورد، ۴- قابلیت به کار گیری یک یا بیشتر از یک گونه‌ی کاربردی برای پیشبرد اهداف ارتباطی اش و ۵- به کار بردن واژگان خاص گروه. سویلز تفاوت میان تحلیل گونه کاربردی^۵ و تحلیل گفتمان^۶ را در این می‌داند که در تحلیل گونه کاربردی به اصل تفاوت میان گونه‌ها توجه می‌شود، حال آن‌که در تحلیل گفتمان، توجه تحلیل‌گر معطوف به پیدا کردن ویژگی‌های جهان‌شمول و مشترک زبانی است.

۲- هدف تحقیق

هدف ما در این مقاله بررسی و شناخت برخی ویژگی‌های نقشی بارز گونه کاربردی مورد استفاده در وسائل نقلیه برون شهری (اتوبوس، کامیون، وانت و...) است. منظور ما به طور مشخص اشاره به نوعی بهره برداری از زبان در قالب استفاده از انواع گوناگونی از

1. Genre

2. ESP

3. Register

4. Discourse community

5. Genre analysis

6. Discourse analysis

بدنه‌نویسی‌ها بر جلو، عقب، طرفین و یا در درون وسیله نقلیه است. این بدنه‌نویسی‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد و برخی ویژگی‌های باز آنها را برشمود. در ادامه این مقاله ابتدا فهرست گونه‌شناختی این بدنه‌نویسی‌ها و عبارات زبانی را از آن خواهیم داد. سپس ویژگی‌های نقشی عمدۀ آنها را برخواهیم شمرد و در پایان توانایی این گونه زبانی را در بازتاب نقش‌های اجتماعی زبان، بر اساس نظریه هلیدی (۱۹۷۳)، بررسی خواهیم کرد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

این مقاله بر پایه دو فرض ذیل قرار گرفته است:

الف) زبان نوشتاری در وسائل نقلیه برون شهری گونه کاربردی خاص خود را دارد که قابل شناسایی و بررسی است.

ب) ویژگی‌های شناخته شده در گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسائل نقلیه برون شهری، به عنوان یکی از تنوعات زبانی (زبان فارسی)، از لحاظ نقشی با نقش‌های هفت‌گانه هلیدی (۱۹۷۳) همخوانی داشته و توانایی بازتاب تمامی این نقش‌های زبانی را دارد.

۴- روش تحقیق

برای گردآوری داده‌های زبانی مورد نیاز سعی شد جملات یا عبارات نوشته شده روی بدنه (عمدتاً در جلو، طرفین و عقب خودرو) و یا داخل این گونه خودروها (اعم از مسافری یا باری) ثبت و ضبط گردد. بنابراین، طبق تقسیم بندی هلیدی (۱۹۶۴؛ ۱۹۷۸)، کانال ارتباطی زبانی مورد تحلیل در این مقاله به طور عمدۀ زبان نوشتاری است.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجا که این پژوهش کیفی است، پس از جمع‌آوری داده‌ها به تحلیل آنها بر اساس نظریه هلیدی (۱۹۷۳) پرداختیم.

۵-۱. تعابیر نوشتاری

منظور ما از تعابیر نوشتاری در این مقاله، عبارات و جملاتی هستند که با استفاده از کاربرد صریح کلمات نکته‌ای را بیان می‌دارند. بررسی تعابیر نوشتاری به کار رفته در وسائل نقلیه برون‌شهری نشان داد که این تعابیر از نظر نقشی به موارد زیر قابل تقسیم هستند:

۵-۲. تعابیر دینی و مذهبی

در این تقسیم بندی، تعابیری را دینی و مذهبی نامگذاری کردایم که یا در آن عقیده‌ای دینی را بیان کرده‌اند و یا از طریق آن به مقدسات مذهبی توسل جسته‌اند.

۵-۲-۱. تعابیر دینی و مذهبی مرتبط با اعتقادات و باورهای دینی

الله اکبر، محمد رسول الله، لا اله الا الله، نصر من الله و فتح قریب، ماشاء الله، لا فتی الا على لا سيف الا ذوالفقار، الحمد لله، محمد شمع جمع آفرینش، از خدا بترس، خداست یاور ما، مظہر لطف و صفاتی یا علی، ...

۵-۲-۲. تعابیر دینی و مذهبی مرتبط با توسل به مقدسات

یا علی مدد، یا قمر بنی هاشم، یا فاطمه زهراء، یا ضامن آهو، یا ابوالفضل، یا جده سادات، یا صاحب الزمان ادرکنی، مولا تو به فربادم برس، یا خدای کعبه، یا مولود کعبه، یا مظلوم کربلا، یا سالار شهیدان، ...

۵-۳. تعابیر شاعرانه

در زبان فارسی اشعار فراوانی یافت می‌شود که بیانگر احساسات و عواطف عمیق سراینده در مورد دوری از زادگاه و فراق یار و دلدار است، که معمولاً در آنها شاعر از این وضعیت شکوه می‌کند. رانندگان برون‌شهری به عنوان افرادی که اغلب اوقات خود را خارج از زادگاه خود سپری می‌کنند طبیعتاً دچار چنین احساساتی می‌شوند و در نتیجه احساسات، اندیشه‌ها و دغدغه‌های خود را با نوشتن شعر یا نصب برچسب‌های حاوی شعرهای پرسوز و گذاز بروز می‌دهند. چند نمونه از این گونه اشعار به قرار زیر است:

باک ندارم از خطر چون خدا یار من است	روز و شب در جاده‌ها رانندگی کار من است
که گیرم ز سر چون به پایان رسم	به منزل کجا زین بیابان رسم
غم را بدلی آواره از کاشانه می‌داند	فقط سوز دلم را در جهان پروانه می‌داند
حیف از این محبت که در او اثر نداره	به غم بکی چارم که خودش خبر نداره

۳-۵. تعبیر هشدار دهنده

رانندگان برون شهری معمولاً با استفاده از این گونه تعبیر و مفاهیم از مسافرین خود درخواست می‌کنند که یا کاری را انجام دهند و یا از انجام کاری خودداری ورزند، مانند نمونه‌های زیر:

لطفاً سیگار نکشید، بحث سیاسی ممنوع، نظافت را رعایت فرماید، رعایت نظافت نشانه شخصیت شماست، با راننده صحبت نکنید، لطفاً روی صندلی خود بنشینید، تو رو خدا بوق نزن اعصابم خورده، سبقت نگیری عیبه و....

۴-۵. تعبیر طنز آمیز

در این مقاله تمامی تعبیر و اصطلاحاتی که به منظور خنداندن یا سرگرم کردن سایر رانندگان، مسافران و یا رهگذران به کار رفته است، تعبیر طنز آمیز نامیده می‌شود. این تعبیر نوعاً شامل یک مصريع یا یک بیت شعر، تکیه‌کلام‌های رایج، تعبیر عامیانه و یا عنایوین تحقیرآمیز، تصغیری و نظایر آنهاست، که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جوچه، آرامگاه گازوئیل [روی باک بنزین]، نوش جان [کنار باک بنزین]، ما اینیم، خیلی سalarی، امان از حرف مردم، داداش مرگ من یواش، ژیگول موگولو، درویش بیابان، عمو زنجیر باف، خوش رکاب، تک تاز، نمک، می زنم تو مخت، بیر کوهها، سلام سalar و

۵-۵. افکار و اشعار انقلابی

این گونه تعابیر نیز حاکی از افکار و اندیشه ها و شعارهای انقلابی رایج در جامعه ایران

همستند:

مرگ بر امریکا، ما بایستی حافظ این ذخایر ملی نفت باشیم، مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد، بریده باد دست فهد، خلیج فارس ایران- محل مرگ ریگان، جانم فدای رهبر، بسیج مکتب عشق است،

۶-۵. تعابیر بیان احساس

با توجه به دوری راندگان برون شهری از خانه و زادگاه خود و با توجه به این که بسیاری از آنها بیشتر وقت خود را به راندنگی در شبها سپری می کنند، به نظر می رسد این شرایط نوعی حالت یأس و نومیدی در آنها به وجود آورده است. به همین دلیل است که بسیاری از راندگان اغلب در مورد مسائل مربوط به زندگی و سرنوشت خود احساس سرخوردگی و یأس دارند. عبارات زیر بیانگر وجود چنین ذهنیتی در این گونه راندگان است:

کجایی جوانی، جوانی یادت بخیر، عمر من شد در جاده تلف، اسیر سرنوشت، ای گذشته خاطر، این شب هم می گذرد، دوستی یک تصادف- جدایی یک قانون، می روم هرجا که تقدیرم برد، اینم قسمت ماست، دنیا و کار دنیا همه هیچ- ای هیچ ز بهر هیچ بر هیچ مبیج و....

۷-۵. تعابیر عاشقانه

این تعابیر عمدهاً مورد علاقه راندگان جوان و یا راندگانی است که به خاطر از دست دادن یار و دلدار خود احساس دلتنگی می کنند:

همیشه در قلب منی، وفا نکردم و کردی، کجایی امیدم، دیدی چه کارم کردی- آواره صحرام کردی، رفتی و سوختی مرا،....

۵-۸- تعابیر جهت نما

در پاره ای از موارد نیز این تعابرات حاکی از مبدأ و مقصد وسیله نقلیه است: شهر رضا-شیراز؛ تهران-بندر؛ اصفهان-مسجد سلیمان؛ (نام هریک از شهرها بیانگر مبدأ و مقصد است).

۶- ویژگی های عمدۀ تعابیر نوشتاری گونه کاربردی در وسائل نقلیه برون شهری

بررسی دقیق تعابیر کلامی گردآوری شده نشان داد که تمامی تعابیر نوشتاری گونه زبانی یاد شده دارای برخی ویژگی های باز هستند، که از میان آنها می توان ویژگی های مشترک زیر را بر شمرد:

۶-۱. اختصار و ایجاز

بر اساس شواهد فوق الذکر به نظر می رسد رانندگان برون شهری تمایل دارند منظور خود را به موجزترین شکل بیان نمایند. شاید یکی از دلایل این اختصار نویسی و ایجاز بیانی کمبود فضای بدنه بیرونی و درونی خودرو باشد. همچنین دلیل دیگر ممکن است در نظر گرفتن سرعت عبور مردم و خودروهای در حال عبور باشد. زیرا منظور مورد نظر باید در کمترین زمان ممکن و در یک نگاه انتقال یابد. نمونه هایی از اختصار و ایجاز را می توان در موارد ۱-۴؛ ۷-۱؛ ۸-۱ مشاهده نمود.

۶-۲. محتوای شغلی یا جهت‌گیری حرفه‌ای

بسیاری از تعابیر نوشتاری منقوش بر این خودروها حاوی کلمات، سخنان، اشعار و عباراتی هستند که مستقیماً بازتاب دهنده افکار، احساسات و دغدغه‌های گروهی از افراد جامعه است که قسمت بیشتر وقت خود را در داخل خودروهای خود و به دور از زادگاه سپری می کنند. بدیهی است بسیاری از رانندگان با داشتن این شیوه زندگی از احساسات و عواطف خاصی متأثر می شوند و مسائل متأثر از حرفه خود (مانند تصادفات، تقدیر و

سرنوشت، سفر، گذران عمر در جاده، حفظ نظافت خودرو به منزله محل کار و ...) را با زبان خاص خود با دیگران در میان می‌گذارند. شاید بهترین موارد بروز این ویژگی در موارد ۴-۱؛ ۳-۱؛ ۶-۱ و ۶-۴ باشد.

۶-۳. محاوره‌ای بودن و عامیانه گرامی

با توجه به عدم آشنایی بیشتر رانندگان بروون شهری با زبان رسمی، این گویشوران حتی به هنگام به کارگیری زبان در کانال ارتباطی نوشتاری نیز اغلب از گونه غیر رسمی زبان استفاده می‌کنند. شاید دلیل دیگر این امر آن باشد که آنها اغلب مخاطبان خود را از طبقه عوام جامعه فرض می‌کنند و به همین دلیل بهترین نحوه بیان مطلب و شیوه تأثیرگذاری بر مخاطب خود را به کارگیری گونه غیر رسمی و عامیانه زبان می‌پندارند. نمونه‌های معکوس‌کننده این رویکرد را می‌توان در موارد ۴-۱؛ ۵-۱؛ ۶-۱ مشاهده کرد.

۶-۴. تقدیر باوری

با توجه به مشغولیت ذهنی مداوم و دغدغه خاطر همیشگی این رانندگان نسبت به خطرات احتمالی، ظاهراً بسیاری از آنها به نوعی تقدیر باوری روی می‌آورند. نمونه‌های این ذهنیت در موارد ۲-۱-۱ و ۶-۱ مشهود است.

۷- تطابق نقشی تعابیر نوشتاری گونه کاربردی در وسائل نقلیه بروون شهری با نقش‌های هفت گانه زبان

همان طور که در مقدمه ذکر شد، هدف دیگر این پژوهش انطباق نقش تعابیر گردآوری شده از گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسائل نقلیه بروون شهری با نقش‌های اجتماعی‌ای است که هلیدی برای زبان بر شمرده است. در این قسمت ضمن معرفی این نقش‌های زبانی، تعابیر نوشتاری به دست آمده از گونه کاربردی یاد شده را با آنها انطباق می‌دهیم.

چنانچه تعابیر نوشتاری معرفی شده در این مقاله را نمونه‌های بیان احساسی و عاطفی تلقی کنیم، در آن صورت باید دید که این موارد تا چه اندازه با نقش‌های هفت گانه زبان همخوانی

دارد. هلیدی (۱۹۷۳) برای زبان هفت نقش اصلی قاتل شده است و اعتقاد دارد هر پاره گفتار به طور همزمان یک یا بیش از یک نقش را متجلی می کند (هلیدی، ۱۹۷۳). در واقع، وی تلاش کرده است تا حد امکان کارکردهای اجتماعی زبان را در این تقسیم‌بندی بگنجاند (یاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۷). نقش‌های هفت گانه زبانی مورد اعتقاد وی عبارتند از:

۱- نقش ابزاری^۱: این نقش برای بیان نیاز، درخواست مؤذبانه یا ترغیب مخاطب به کار می‌رود. استفاده مناسب و تأثیرگذار از این نقش زبانی به ویژه در کانال ارتباطی نوشتاری زبان بسیار اهمیت دارد (هلیدی، ۱۹۷۸). در نمونه‌های ۳-۱ (تعابیر هشدار دهنده) از زبان به عنوان ابزاری برای بیان درخواست و ترغیب مخاطب به برآورده ساختن نیاز فرستنده پیام استفاده شده است.

۲- نقش تنظیم کننده^۲: این نقش از طریق دستور دادن به دیگران رفتار مخاطب را کنترل می‌کند و به آن نظم می‌دهد. به گفته هلیدی این نقش عموماً در بافت‌هایی که قوانین مشخص بر آن‌ها حاکم است، رایج‌تر می‌باشد (همان). بنابراین با نقش ابزاری زبان همپوشی فراوان دارد، با این تفاوت که در نقش ابزاری تمرکز بر روی برآورده ساختن نیاز است و مشخص بودن یا نبودن مخاطب برای فرستنده پیام مهم نیست، ولی هدف در نقش تنظیم کننده‌گی زبان، مخاطب خاص و کنترل رفتار وی است. به گفته یاکوبسون و همکاران دستورالعمل‌هایی که رانندگان خطاب به مسافران خود می‌نویسند و علاوه‌ی که در پارک‌ها و اماکن عمومی برای عابران و حضار نصب می‌شود، به خوبی نقش تنظیم کننده‌گی زبان را نشان می‌دهد (یاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۸). بنابراین موارد ۳-۱ (تعابیر هشدار دهنده) علاوه بر نقش ابزاری نقش تنظیم کننده‌گی زبان را نیز دارند.

۳- نقش تعاملی^۳: این نقش که در خدمت تأمین و ایجاد روابط اجتماعی است شامل بحث‌ها، جملات دوستانه، عبارات تشویق‌کننده و در مواردی جملات طنزآمیز می‌شود

-
- 1. Instrumental
 - 2. Regulatory
 - 3. Interactional

- (هلیدی، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۸). بنابراین، نمونه‌های نوشتاری ۱-۴ (تعابیر طنز آمیز)، ۶-۱ (تعابیر بیان احساس) و ۷-۱ (تعابیر عاشقانه) همگی نمونه‌هایی از نقش تعاملی زبان هستند.
- ۴- نقش فردی^۱:** نقش فردی این امکان را به فرد می‌دهد تا احساسات و عواطف خود را بیان کند. احساسات قوی و عقاید محکم فردی از طریق این نقش زبانی تبلور پیدا می‌کند (همان). تعابیر ۱-۱ (تعابیر دینی و مذهبی)، ۲-۱ (تعابیر شاعرانه)، ۵-۱ (افکار و اشعار انقلابی)، ۶-۱ (تعابیر بیان احساس) و ۷-۱ (تعابیر عاشقانه) همگی نمونه‌های زبانی تظاهر یافته این نقش زبانی هستند.
- ۵- نقش تخیلی^۲:** این نقش فرد را قادر می‌سازد تا با استفاده از صحنه‌سازی‌های تخیلی و از طریق سرودن شعر، گفتن لطیفه، قصه‌پردازی و مانند آینها مقصود خود را انتقال دهد. موارد ۱-۲ (تعابیر شاعرانه)، ۴-۱ (تعابیر طنز آمیز)، ۶-۱ (تعابیر بیان احساس) و ۷-۱ (تعابیر عاشقانه) نقش تخیلی زبان را نشان می‌دهند.
- ۶- نقش اکتشافی^۳:** این نقش فرد را قادر می‌سازد تا با استفاده از ابزار زبان کسب اطلاعات و دانش کند و دنیای خود را بشناسد. در این نقش فرستنده پیام به دنبال کسب اطلاعات است و در تلاش است تا در مورد محیط پیرامون اخبار و اطلاعاتی را به دست آورد. به عنوان مثال، بوق زدن مکرر در ساعات روز نشانه‌ای است به خودرو جلو که اجازه سبقت ندهد. در این مثال فرستنده پیام می‌خواهد بداند آیا مجاز است که از وسیله نقلیه جلوی خود سبقت بگیرد یا خیر. طرح هر گونه پرسشی نقش اکتشافی زبان را نشان می‌دهد (یاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۸).
- ۷- نقش اطلاع دهنده^۴:** از این نقش زبانی برای بیان و اعلان واقعیات، اطلاعات و نتیجه‌گیری در خصوص آنها استفاده می‌شود. به طور کلی واقعیت همان گونه که هست انتقال داده می‌شود. به عنوان مثال نوشتن متن‌هایی که در صدد اطلاع رسانی یا بیان واقعیتی هستند، این نقش زبان را نشان

1. Personal
2. Imaginative
3. Heuristic
4. Representative or informative

می دهنده (یاکوبسون و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۹). موارد ۵-۱ (افکار و اشعار انقلابی) و ۸-۱ (تعابیر جهت نما) به روشنی نشان دهنده نقش اطلاع رسانی زبان هستند. البته همان طور که هلیدی اذعان دارد (هلیدی، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۸) هریک از جملات کارکردی فوق می توانند از لحاظ نقشی به طور همزمان یک یا بیش از یک نقش را بروز دهنند. برای مثال، تعبیر شعر گونه زیر را که در بدنه یکی از خودروهای مورد مطالعه مشاهده شده است در نظر بگیرید:

- دنیا و کار دنیا هیچ، ای هیچ ز بهر هیچ بر هیچ میچ
می توان به طور همزمان چهار نقش زبانی زیر را در این تعبیر نوشتاری پیدا کرد:
- ۱- نقش ابزاری: فرستنده پیام از زبان به عنوان ابزاری جهت بیان خواسته خود و ترغیب مخاطب برای تفکر به شیوه‌ای که مورد نظر فرستنده پیام است، استفاده می‌کند.
 - ۲- نقش تنظیم کننده: فرستنده پیام با نفی پاره‌ای از رفتارهای انسانی، درصد تنظیم و کنترل رفتار مخاطب است.
 - ۳- نقش اطلاع‌دهنده: مضمون این شعر بیانگر نوعی اندیشه خاص و رهیافت فکری در قالب واقعیت است و هیچ بودن دنیا را به عنوان یک واقعیت به اطلاع مخاطب می‌رساند.
 - ۴- نقش فردی: مفهوم کلی این بیان احوالات روحی و احساسات و عقاید فردی فرستنده پیام است.

- نتیجه ۸

زبان نوشتاری در وسائل نقلیه برون شهری دارای گونه کاربردی خاص خود است. رانندگان این گونه وسائل نقلیه با استفاده از این تعابیر نوشتاری سعی می‌کنند تا علاوه بر جلب توجه افراد (از منظر زیبایی شناختی) به وسیله نقلیه مورد نظر، هدف ایجاد ارتباط، یعنی ارسال و دریافت پیام‌های زبانی مورد نظر خود را نیز تأمین نمایند. این کار را از طریق برچسبها و تعابیر نوشتاری گوناگون صورت

می‌گیرد. علاوه بر این، حداکثر تلاش خود را به عمل می‌آورند تا بتوانند مناسب‌ترین شکل تعییر مورد نظر خود را بر حسب تأثیرگذاری^۱ و تناسب موضوعی^۲ به کار بزنند. اختصار و ایجاز، محتوای شغلی، محاوره محور بودن و عامیانه‌گرایی و تقدیر باوری از ویژگی‌های برجسته این گونه زبانی است. آنها از زبان برای تأمین نیازهای متتنوع خود بهره می‌گیرند و در هر موقعیتی به اقتضای شرایط به صورت آگاهانه از آن استفاده می‌کنند. در تأیید فرضیه دوم این مقاله باید گفت گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسائل نقلیه برون شهری، به عنوان یکی از تنواعات زبانی (زبان فارسی)، این توانایی را دارد که از نظر اجتماعی نقش‌های ارتباطی زبان را نمایان سازد و با توجه به تقسیم‌بندی هلیسی از نقش‌های زبانی می‌تواند ابزار مناسبی برای تعاملات اجتماعی سخنواران خاص خود به حساب آید.

یادداشتها

۱. لاینز (۱۹۹۰، ص ۲۷۷) ضمن اشاره به کلی بودن این تعریف، آن را به عنوان تعریفی قابل قبول برای این شاخه از زبان‌شناسی پذیرفته است.
۲. برای واژه *register* معادل‌های فارسی «سبکواره» و «سباق سخن» را نیز به کاربرده اند که ما در این مقاله معادل «گونه کاربردی» را از لحاظ هماهنگی بیشتر با تعریف این گونه زبانی مناسب تر دانسته‌ایم.

1. Effectiveness
2. Appropriacy

کتابنامه

- Biber, D. (1988). *Variation across speech and writing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Downes, W. (1994). *Register in literature*. ELL, 3509-11.
- Ferguson, C. (1971). Absence of copula and the notion of simplicity: A study of normal speech. In Hymes (Ed.), *Baby talk, foreigner talk and pidgins* (1971: 141-150). Cambridge: Cambridge University Press.
- Halliday, M. A. K. (1964). "Comparison and translation". In M. A. K. Halliday, M. McIntosh and P. Strevens (Eds.), *The linguistic sciences and language teaching*. London: Longman.
- Halliday, M. A. K. (1973). *Explorations in the functions of language*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, M. A. K. (1978). *Language as social semiotic: The social interpretation of language and meaning*. London: Edward Arnold.
- Hudson, R. A. (1996). *Sociolinguistics* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Jacobson, E., Degener, S., & Purcell-Gates, V. (2003). *Creating authentic materials and activities for the adult literacy classroom: A handbook for practitioners*. New York: National Center for the Study of Adult Learning and Literacy (NCSALL).
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Lyons, J. (1990). *Language and linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sperber, D., & Wilson, D. (1986). *Relevance: Communication and cognition*. Oxford: Blackwell.
- Swales, J. (1990). *Genre analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R. (1990). *An introduction to sociolinguistics*. Cambridge: Blackwell Ltd.